

<div> <div>الف</div> <div> <div>بسمه تعالی</div> <div>مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div> <div>معاونت آموزش</div> <div>اداره امتحانات</div> </div> </div>			
<div> <div>امتحانات نیمسال دوم – سال تحصیلی ۹۵-۹۶</div> </div>			
موضوع:	اصول اب ۲	پایه:	۴
تاریخ:	۹۶/۰۳/۰۲	ساعت:	۱۰:۳۰
<div> <div>نام کتاب: الموبیز، از «المقصد الفامس» تا پایان کتاب</div> </div>			
<div> لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره) </div>			

تستی

۱. علی رأی المؤلف، العلم الإجماليّ

ب ۱۴۳

☐ ا. ليس كالعلم التفصيليّ مطلقاً
☐ ب. كالعلم التفصيليّ مطلقاً
☐ ج. كالعلم التفصيليّ في حرمة المخالفة القطعيّة فقط
☐ د. كالعلم التفصيليّ في عدم كفاية الموافقة الاحتماليّة فقط
۲. الاستدلال بحديث الرفع على عدم الضمان فيما إذا أتلّف مال الغير عن جهلّ الاستدلال به على بطلان البيع فيما إذا أكره الحاكم المحتكر في عامّ المجاعة على البيع.

ج ۱۸۳

☐ ا. صحيح بخلاف
☐ ب. باطل بخلاف
☐ ج. باطل نظير
☐ د. صحيح نظير
۳. در دوران امر بين اقل و اكثر ارتباطی برائت جاری نمی شود.

د ۲۰۳-۵

☐ ا. به سبب اجمال نصّ
☐ ب. در شبهه موضوعیه
☐ ج. به سبب فقدان نصّ
☐ د. به سبب تعارض دو نصّ
۴. إذا ورد خبران متعارضان متكافئان فعلى رأى المؤلف التخيير بينهما فى الواقعة الأولى!

د ۲۲۸

☐ ا. استمراریّ بمعنى أن يختار نفس ما اختاره
☐ ب. استمراریّ بمعنى أن له اختيار غير ما اختاره
☐ ج. بدویّ بمعنى أن له اختيار غير ما اختاره
☐ د. بدویّ بمعنى أن يختار نفس ما اختاره

تشریحی

۱. اختلاف نظر مشهور و مؤلف در تعریف «مطلق» را بنویسید.

ب. مقصود از اینکه «اطلاق از مداليل عقلی است» چیست؟ ۱۲۱

أ. مشهور: المطلق ما دلّ على شائع في جنسه.

مؤلف: المطلق كون اللفظ بما له من المعنى تمام الموضوع للحكم بلا لحاظ حيثيّة أخرى.

ب. مقصود این است که وقتی متکلم حکیم است و در مسیر نقض غرض خود گام بر نمی دارد بنابراین وقتی چیزی را بدون قید موضوع حکمی قرار دهد، عقلاً کاشف از آن خواهد بود که آن چیز، تمام الموضوع برای حکم است و به تعبیری، مطلق است؛ وگرنه با فرض اراده تقیید، مطلق آوردن، خلاف حکمت است.
- * القطع حجة بالذات غنيّ عن جعل الحجّة له لأنّ جعل الحجّة للقطع يتمّ إمّا بدليل قطعيّ أو بدليل ظنّيّ و على الأوّل يتسلسل و على الثانی يلزم أن يكون القطع أسوأ حالاً من الظنّ.

۱۳۵
۲. أ. حجيت قطع به چه معناست؟ توضیح دهید.

ب. چرا جعل حجيت برای قطع معقول نیست؟

أ. به معنای حجيت عقلی است یعنی مولی و عبد هر دو می توانند به آن احتجاج کنند و در واقع منجز و معذّر است.

ب. چون دلیلی که به استناد آن، قطع حجت می گردد یا خودش دلیل قطعی است و یا ظنی است؛ اگر خودش قطعی باشد لازم است دلیل دیگر این قطع را حجت کند و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و اگر ظنی باشد لازم می آید مرتبه قطع نازل تر از ظن باشد، چرا که ظن مرجوح، دلیل حجيت قطع راجح شده است.

* إذا استقلّ العقل بالحكم على الموضوع عند دراسته بما هو من غير الثفات إلى ما وراء الموضوع من المصالح و المفسد فهل يكون ذلك دليلاً على كون الحكم عند الشارع كذلك أيضاً أو لا؟
١٤٧

٣. نظر اصولی‌ها در مسأله فوق را با دلیل و در ضمن مثال توضیح دهید.

به نظر اصولیین بین حکم عقل و شرع ملازمه وجود دارد و دلیل آن این است که عقل، حکم عام و غیر مقید (= بما هو هو) را درک کرده است. مثلاً وقتی عقل، حسن عدل را درک می‌کند در واقع درک کرده است که عدل به طور مطلق حسن است چه فاعل آن واجب الوجود باشد چه ممکن الوجود و چه آن فعل در دنیا باشد و چه در آخرت و چه آن فعل مقرون به مصلحت باشد و چه نباشد فمثلاً هذا الحكم العقلي المدرك يلازم كون الحكم الشرعي أيضاً كذلك و إنّما لما كان المدرك عاماً شاملاً لجميع تلك الخصوصيات.

* المطلوب من كون الظواهر قطعية الدلالة هو دلالتها بالقطع على المراد الاستعمالي لا المراد الجدّي لأنّ الموضوع على عاتق الكلام هو كشفه عمّا يدلّ عليه اللفظ بالوضع و ما يكشف عنه اللفظ الموضوع هو المراد الاستعماليّ و المفروض أنّ الظواهر كفيلة لإثبات هذا المعنى فلا وجه لجعلها ظنيّة الدلالة و أمّا المراد الجدّي فإنّما يعلم بالأصل العقلائيّ و هو ...
١٥٨

٤. أ. به نظر مؤلف، دلالت «ظواهر» قطعی است یا ظنی؟ چرا؟ ب. مراد از «اصل عقلایی» کدام اصل است؟

أ. نسبت به مراد استعمالی قطعی الدلالة اند ولی نسبت به مراد جدی ظنی الدلالة؛ چون وظیفه‌ای که بر دوش کلام است کشف از مدلول وضعی است و آنچه از این طریق کشف می‌شود مراد استعمالی است که به صورت یقینی کشف می‌شود و احتمال خلافی قائم نیست.
ب. اصل تطابق اراده جدی با اراده استعمالی.

* ربّما يقال: إن الآيات الناهية عن اتباع الظنّ رادعة لسيرة العقلاء على حجة خبر الواحد كقوله سبحانه: «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» و الجواب ...
٥. توهم مذکور را توضیح داده، پاسخ آن را بنویسید.
١٧٠

توهم: در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که ما را از پیروی ظن بازداشته است و از آنجا که خبر واحد از مصادیق ظن است پس طبق این آیات نباید مبنای عمل قرار گیرد هر چند سیره عقلاء بر عمل به آن استوار باشد.
جواب: مراد از ظن در اینگونه آیات، ترجیح یکی از دو طرف به صرف حدس و گمان است نه اینکه مستند ترجیح حسن یا عقل باشد این در حالی است که در باب خبر ثقه (یا خبر موثق الصدور) ترجیح ناشی از اطمینان و ثبات است و بازگشت آن به حسن است. فالقياس مع الفارق.

٦. برای شبهه موضوعیه تحریمیه مثالی نوشته، حکم آن را با دلیل عقلی بیان کنید.
١٩٢/٣

مثال: كما إذا شكّ في حرمة شرب مائع أو إباحته للتردد في أنّه خلّ أو خمر.
حکم: اباحه (= برائت).

دلیل عقلی: لازمه استدلال بر حرمت، انضمام کبرا (الخمر الحرام) به صغرای وجدانی (علم به خمريت مائع حاضر) است و در ما نحن فيه هر چند علم به کبری وجود دارد لکن علم به صغری محرز نیست و با کبرای تنها نمی‌توان بر حرمت استدلال کرد.

* عن أمير المؤمنين عليه السلام أنّه قال: «من كان على يقين ثمّ شكّ فليمض على يقينه فإنّ الشكّ لا ينقض اليقين» و الرواية صالحة للاستدلال بها على حجة قاعدة اليقين و على حجة الاستحباب.
٢١٢

٧. در چه صورت روایت، بر حجیت قاعده یقین و در چه صورت بر حجیت استصحاب دلالت می‌کند؟ توضیح دهید.

اگر متعلق یقین و شک ذاتاً و زماناً واحد باشد دلیل بر قاعده یقین می‌شود به این صورت که مفاد روایت این باشد که هر کس مثلاً در عدالت زید در روز جمعه یقین داشت بعد در همان عدالت جمعه شک کرد، بنا را بر عدالت گذارد و یقین خود را نشکند ولی اگر متعلق

یقین و شک از نظر زمانی مختلف باشد روایت دلیل بر استصحاب می‌شود به این صورت که یقین به عدالت زید در جمعه داشته، بعد شک در بقا عدالت در روز شنبه کند باید بنا را بر بقا عدالت گذارد.

* هو رفع أحد الدليلين موضوع الدليل الآخر حقيقةً لكن بعناية من الشارع بحيث لولاه لما كان له هذا الشأن كتقدم الأمانة على البراءة العقلية. ۲۲۲
۸. عبارت، در مقام تعریف چیست؟ توضیح داده، آن را بر مثال مذکور تطبیق دهید.

تعریف ورود.

در ورود، دلیل وارد، موضوع دلیل ورود را حقیقتاً و به عنایت و جعل شارع رفع می‌کند به نحوی که اگر عنایت و جعل شارع نباشد این رفع صورت نمی‌گیرد.

تطبیق بر مثال مذکور: موضوع براءة عقلی، عدم البیان است و وقتی دلیل قطعی بر حجیت اماره قائم شد آن اماره قطعی، موضوع اصل را از بین می‌برد و عدم البیان، به بیان تبدیل می‌شود. بنابراین تقدم اماره بر براءة عقلی مرهون حجیت اماره و بیان شمردن آن از سوی شارع است.

* إذا كان التعارض بين الدليلين على نحو العموم والخصوص من وجه فالمرجع هو روايات الترجيح لا روايات التخيير لأن المتبادر من قوله ﷺ: «يجتنبنا الرجال» - وكلاهما ثقة - بحديثين مختلفين هو اختلافهما في تمام المدلول لا في بعضه. ۲۳۷-۸

۹. أ. برای فرض مسأله مثال بزنید و مقصود از مرجعیت روایات ترجیح را بنویسید. ب. چرا رجوع به روایات تخیر صحیح نیست؟
أ. كما إذا قال: أكرم العلماء، ثم قال: لا تكرم الفساق. مقصود: لو كان حكم أحد الدليلين في مورد الاجتماع موافقاً للكتاب دون غيره أو مخالفاً للعامة فيؤخذ به دون الآخر.

ب. چون متبادر از این گونه روایات آن است که دو روایت متعارض در تمام مدلول اختلاف داشته باشند در حالی که در فرض مسأله که بین دو روایت عموم و خصوص من وجه وجود دارد اختلاف آن دو، در بعض مدلول است، نه تمام مدلول.